

اعلامیه اسلامی حقوق بشر

« یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوبا و قبائل لتعارفوا ان اکر مکم عند الله اتقاکم » (قرآن کریم).

دولت‌های عضو سازمان کنفرانس اسلامی با ایمان به‌الله پروردگار جهانیان و آفریدگار کائنات و بخشنده نعمتها، خداوندی که انسان را به بهترین وجه آفریده و به‌او حیثیت داده و وی را خلیفه خود در زمین گرداند، خداوندی که آبادانی و اصلاح زمین را برعهده بشر گذارده و امانت تکالیف الهی را برگردن او نهاده و آنچه در آسمانها و زمین است همگی را تحت تصرف وی قرارداد، و با تصدیق رسالت محمد (ص) که خداوند ایشان را به‌هدایت و آئین راستین فرستاده و وی را رحمتی برای جهانیان، و آزادگری برای بردگان و شکننده‌ای برای طاغوت‌ها و مستکبران گردانیده است، پیامبری که برابری را میان همه بشریت اعلام نموده و هیچ الویتی برای کسی بردیگری جز در تقوی قائل نشده، و فاصله‌ها و اکراه را از میان مردم برچید، مردمی که خداوند آنانرا از روح واحد آفریده است.

و با در نظر گرفتن عقیده توحید ناب که ساختار اسلام بر پایه آن استوار شده است، عقیده‌ای که بشریت را فراخواند تا جز خدا کسی را پرستش نکرده و شریکی برای او قائل نشوند و احدی را بعنوان خدا بجای الله نگیرند، عقیده‌ای که پایه راستین آزادی مسئولانه بشریت و حیثیت آنانرا

پی‌ریزی کرده و رهائی انسان از بردگی را اعلان نموده است. واز برای تحقق، آنچه‌هایی که در شریعت جاودان اسلامی آمده است از جمله پاسداری از دین و جان و خرد و ناموس و مال و نسل، و دیگر امتیازات چون جامعیت و میانه‌روی در کلیه مواضع و احکام، این شریعت معنویات و ماده را باهم در آمیخت و عقل و قلب را هماهنگ ساخت و میان حقوق و وظائف موازنه بوجود آورد و بین حرمت فرد و مصلحت عمومی تلفیقاتی بوجود آورد و معیارهای قسط را میان طرفهای ذیربط برقرار کرد تا اینکه نه‌طغیانی باشد و نه‌زیانی.

ضمن تأکید بر نقش تمدنی و تاریخی امت اسلامی که خداوند آن را بهترین امت برگزید تا این امت يك تمدن جهانی همگون را به بشریت تقدیم نماید، تمدنی که می‌تواند دنیا را به آخرت ربط داده و علم و ایمان را بهم پیوند دهد. لذا از چنین امتی امروزه انتظار می‌رود که به هدایت بشریت گمراه در امواج و مسلك‌هایی که در حال رقابت متضاد هستند اقدام نموده و راه‌حلهائی برای مشکلات مزمن تمدن مادی ارائه دهد.

و به جهت ایفای سهم خود در تلاشهای بشری که مربوط به حقوق بشر است - حقوقی - که هدفش حمایت بشر در مقابل بهره‌کشی و ظلم بوده و تأکید بر آزادی و حقوق او در حیات شرافتمندانه‌ای دارد که با شریعت اسلامی هماهنگ است.

با اعتقاد به اینکه بشریتی که به بالاترین درجات علم مادی رسیده است، پیوسته و در هر زمان نیازمند تکیه‌گاهی ایمانی جهت پاسداری از تمدن خود و عامل حمایت‌کننده از حقوق خویش می‌باشد.

و با ایمان به اینکه حقوق اساسی و آزادیهای عمومی در اسلام جزئی از دین مسلمین است، پس هیچ‌احدی بطور اصولی حق متوقف کردن کلی یا جزئی یا زیرپا نهادن یا چشم‌پوشی کردن از احکام الهی تکلیفی که خداوند از راه کتابهای خود نازل نموده و خاتم‌پیامبرانش را فرستاده و بوسیله او پایان و اختتامی برای رسالت آسمانی بعمل آورده است، ندارد. بنابراین مراعات آنها، عبادت است و کوتاهی از آنها یا تجاوز بر آنها

منکر است و هر انسانی بطور منفرد، مسئول پاسداری و اجرای آن است و امت بگونه‌ای هماهنگ در تضمین (مشترك) در قبال آن، مسئولیت دارد. بدین جهت، دولت‌های عضو سازمان کنفرانس اسلامی براین اساس، مواد زیر را اعلام می‌نمایند.

ماده يك:

الف) بشر بطور کلی، يك خانواده می‌باشند که بندگی نسبت به خداوند و فرزندگی نسبت به آدم آنها را گرد آورده و همه مردم در اصل شرافت انسانی و تکلیف و مسئولیت برابرند بدون هر گونه تبعیضی از لحاظ نژاد، یا رنگ یا زبان یا جنس با اعتقاد دینی یا وابستگی سیاسی یا وضع اجتماعی و غیره.

ضمناً عقیده صحیح، تنها تضمین برای رشد این شرافت از راه تکامل انسان می‌باشد.

ب) همه مخلوقات به منزله عائله خداوندی هستند و محبوبترین آنان نزد خدا سودمندترین آنان به‌منوع خود است. و هیچ احدی بر دیگری برتری ندارد مگر در تقوی و کار نیکو.

ماده دوم:

الف) زندگی موهبتی است الهی و حقی است که برای هر انسانی تضمین شده است، و بر همه افراد و جوامع و حکومتها واجب است که از این حق حمایت نموده و در مقابل هر تجاوزی علیه آن ایستادگی کنند و جایز نیست کشتن هیچ کس بدون مجوز شرعی.

ب) استفاده از وسیله‌ای که منجر به از بین بردن سرچشمه بشریت بطور کلی یا جزئی گردد، ممنوع است.

ج) پاسداری از ادامه زندگی بشریت تا هر جائیکه خداوند مشیت نماید، وظیفه‌ای شرعی می‌باشد.

د) حرمت جنازه انسان باید حفظ شود و بی‌احترامی به آن جایز

نیست که اینک جایز نیست لمس کردن آن مگر با مجوز شرعی. و بردولت است حمایت از این امر.

ماده سوم :

(الف) در صورت بکارگیری زور یا کشمکش‌های مسلحانه، نباید آنانی را که در آن مشارکتی نداشته‌اند همچون پیرمردان و زنان و کودکان، را کشت و هرمجروح و بیماری حق مداوا، و اسرا حق خوراک و پناهگاه و لباس دارند. و مثله کردن مقتولین ممنوع است و باید اسرا را مبادله و فیما بین خانواده‌هایی که اوضاع جنگ باعث جدائی آنان شده است، دیدار هائی بعمل آید.

(ب) قطع درختان یا از بین بردن زراعت و دامها یا تخریب ساختمانها و موسسات کشوری دشمن بوسیله بمباران یا موشک باران و غیره، جایز نمی‌باشد.

ماده چهارم :

هر انسانی، حرمتی دارد و می‌تواند از آوازه خود در زندگی یا پس از مرگ پاسداری نماید و دولت و جامعه موظف است که از پیکر و مدفن او پاسداری کند.

ماده پنجم :

(الف) خانواده، پایه ساختار جامعه است و زناشوئی اساس ایجاد آن می‌باشد، بنابراین مردان و زنان حق ازدواج دارند و هیچ قید و بندی که بر پایه نژاد یا رنگ یا قومیت باشد، نمی‌تواند از این حق آنان، جلوگیری کند.

(ب) جامعه و دولت موظف است موانع را از فراراه ازدواج برداشته و راههای آنرا آسان و از خانواده حمایت بعمل آورد.

ماده ششم :

الف) در حیثیت انسانی، زن با مرد برابر است و به همان اندازه که زن وظایفی دارد، از حقوق نیز برخوردار است و دارای شخصیت مدنی و ذمه مالی مستقل و حق حفظ نام و نسبت خویش را دارد.

ب) بار نفقه خانواده و مسئولیت نگهداری آن، از وظایف مرد می باشد.

ماده هفتم :

الف) هر کودکی از زمان تولد، حقی برگردن والدین خویش و جامعه و دولت در محافظت دوران طفولیت و تربیت نمودن و تامین مادی و بهداشتی و ادبی دارد. در ضمن باید از جنین و مادر نگهداری شود و مراقبت های ویژه نسبت به آنها مبذول شود.

ب) پدران و کسانی که از نظر قانون شرع به منزله پدرانند، حق انتخاب نوع تربیتی را که برای فرزندان خود می خواهند با مراعات منافع و آینده آنان در پرتو ارزشهای اخلاقی و احکام شرعی دارند.

ج) بر طبق احکام شرع فرزندان نسبت به والدین خود و اقوام نسبت به اقوام خود حقوقی برگردن دارند.

ماده هشتم :

هر انسانی از لحاظ الزام و التزام از یک شخصیت شرعی برخوردار است و اگر این شخصیت از بین رفت یا مخدوش گردید، قیم جای او را می گیرد.

ماده نهم :

الف) طلب علم یک فریضه است و آموزش یک امر واجب است بر جامعه و دولت، و بر دولت لازم است که راهها و وسائل آن را فراهم نموده و متنوع بودن آنرا بگونه ای که مصلحت جامعه را برآورد، تامین نماید و به انسان

فرصت دهد که نسبت به دین اسلام و حقایق هستی معرفت حاصل کند و آنرا برای خیر بشریت بکار گیرد.

(ب) حق هرانسانی است که موسسات تربیتی و توجیهی مختلف از خانواده و مدرسه و دانشگاه گرفته تا دستگاههای تبلیغاتی و غیره که کوشش در جهت پرورش دینی و دنیوی انسان می نمایند، برای تربیت کامل و متوازن او تلاش کنند و شخصیتش را پرورش دهند بگونه‌ای که ایمانش به خدا و احترامش به حقوق و وظایف و حمایت از آن فراهم شود.

ماده دهم :

اسلام دین فطرت است، و بکار گرفتن هر گونه اکراه نسبت به انسان یا بهره‌برداری از فقر یا جهل انسان جهت تغییر این دین به دینی دیگر یا به الحاد، جایز نمی‌باشد.

ماده یازدهم :

(الف) انسان آزاده متولد می‌شود و هیچ احدی حق به بردگی کشیدن یا ذلیل کردن یا مقهور کردن یا بهره کشیدن یا به بندگی کشیدن او را ندارد، مگر خدای تعالی.

(ب) استعمار به انواع گوناگونش و به اعتبار اینکه بدترین نوع بردگی است، شدیداً تحریم می‌شود و ملت‌هایی که از آن رنج می‌کشند حق دارند از آن رهائی یافته و سرنوشت خویش را تعیین کنند. همه دول و ملل نیز موظف‌اند از این گروه در مبارزه علیه نابودی هر نوع استعمار و اشغال یاری نمایند. همه ملت‌ها نیز حق حفظ شخصیت مستقل و سلطه خود بر منابع و ثروت‌های طبیعی را دارند.

ماده دوازدهم :

هر انسانی بر طبق شریعت حق انتقال و انتخاب مکان برای اقامت در داخل یا خارج کشورش را دارد و در صورت تحت ظلم قرار گرفتن می‌تواند

به کشور دیگری پناهنده شود. و بر آن کشور پناه دهنده واجب است که با او مدارا کند، تا اینکه پناهگاهی برایش فراهم شود. باین شرط که علت پناهندگی بخاطر ارتکاب جرم طبق نظر شرع نباشد.

ماده سیزدهم :

کار حقی است که باید دولت و جامعه برای هر کسی که قادر به انجام آن است، تضمین کند. و هر انسانی آزادی انتخاب کار شایسته را دارد به گونه‌ای که هم مصلحت خود و هم مصلحت جامعه برآورده شود. هر کارگری حق دارد از امنیت و سلامت و دیگر تامین‌های اجتماعی برخوردار باشد و نباید او را به کاری که توانش را ندارد واداشت یا او را به کاری اکراه نمود یا از او بهره‌کشی کرد یا به او زیان رساند و هر کارگری بدون فرق میان مرد و زن، حق دارد که مزد عادلانه در مقابل کاری که ارائه می‌کند سریعاً دریافت نماید و نیز حق استفاده از مرخصی‌ها و پاداشها و ترفیعات استحقاقی را دارد و در عین حال موظف است که در کار خود اخلاص و درستکاری داشته باشد و اگر کارگران با کارفرمایان اختلاف پیدا کردند دولت موظف است برای حل این اختلاف و از بین بردن ظلم و اعاده حق و پایبندی به عدل بدون اینکه بنفع طرفی عدول کند، دخالت نماید.

ماده چهاردهم :

انسان حق دارد، کسب مشروع بکند، بدون احتکار و فریب یا زیان رساندن به خود یا دیگران. و ربا شدیداً ممنوع می‌باشد.

ماده پانزدهم :

الف) هر انسانی حق مالک شدن از راههای شرعی را دارد و می‌تواند از حقوق مالکیت بگونه‌ای که به خود و یا دیگران و یا جامعه ضرر نرساند، برخوردار باشد و نمی‌توان مالکیت را از کسی سلب کرد مگر

بنابر ضرورت حفظ منافع عمومی و در مقابل پرداخت غرامت فوری و عادلانه.
 (ب) مصادر ه اموال و ضبط آنها ممنوع است مگر بر طبق شرع.

ماده شانزدهم :

هر انسانی حق دارد از ثمره دست‌آوردهای علمی یا ادبی یا هنری یا تکنولوژیکی خود سود ببرد، و حق دارد از منافع ادبی و مالی حاصله از آن حمایت نماید، مشروط بر اینکه آن دست‌آورد (اثر) مغایر با احکام شریعت نباشد.

ماده هفدهم :

(الف) هر انسانی حق دارد که در يك محیط پاک از مفاسد و بیماری-های اخلاقی بگونه‌ای که بتواند در آن خود را از لحاظ معنوی بسازد، زندگی کند، جامعه و دولت موظفند این حق را برای او فراهم کنند.

(ب) دولت و جامعه موظف‌اند که برای هر انسانی تامین بهداشتی و اجتماعی را از طریق ایجاد مراکز عمومی مورد نیاز بر حسب امکانات موجود، فراهم نمایند.

(ج) دولت مکلف است حق هر انسانی را در زندگی شرافتمندانه‌ای که بتواند از طریق آن مایحتاج خود و خانواده‌اش را برآورده سازد و شامل خوراک و پوشاک و مسکن و آموزش و درمان و سایر نیازهای اساسی میشود تضمین نماید.

ماده هجدهم :

(الف) هر انسانی حق دارد که نسبت به جان و دین و خانواده و ناموس و مال خویش، در آسودگی زندگی کند.

(ب) هر انسانی حق دارد که در امور زندگی خصوصی خود (در مسکن و خانواده و مال و ارتباطات) استقلال داشته باشد و جاسوسی یا نظارت بر او با مخدوش کردن حیثیت او جایز نیست و باید از او در مقابل

هر گونه دخالت زور گویانه در این شئون حمایت شود.
 ج) مسکن در هر حالی حرمت دارد و نباید بدون اجازه ساکنین آن
 یا بصورت غیر مشروع وارد آن شد، و نباید آنرا خراب یا مصادره کرد
 یا ساکنینش را آواره نمود.

ماده نوزدهم :

الف) مردم در برابر شرع مساوی هستند. در این امر حاکم و محکوم
 نیز باهم برابرند.

ب) مراجعه و پناه بردن به دادگاه حقی است که برای همه تضمین
 شده است.

ج) مسئولیت در اصل شخصی است.

د) هیچ جرمی یا مجازاتی نیست مگر بموجب احکام شریعت.

ه) متهم، بیگناه است تا اینکه محکومیتش از راه محاکمه عادلانه‌ای
 که همه تضمینها برای دفاع از او فراهم باشد ثابت گردد.

ماده بیستم :

دستگیری یا محدود ساختن آزادی یا تبعید، یا مجازات هر انسانی
 جایز نیست مگر به مقتضای شرع. و نباید او را شکنجه بدنی یا روحی
 کرد یا با او بگونه‌ای حقارت‌آمیز یا سخت، یا منافی حیثیت انسانی، رفتار
 کرد. همچنین اجبار هر فردی برای آزمایشات پزشکی یا علمی جایز
 نیست مگر با رضایت وی و مشروط بر اینکه سلامتی و زندگی او بمخاطره
 نیفتد. همچنین، تدوین قوانین استثنائی که به قوه اجرائیه چنین اجازه‌ای
 را بدهد، نیز جایز نمی‌باشد.

ماده بیست و یکم :

گروگانگیری به هر شکلی و بخاطر هر هدفی، ممنوع است.

ماده بیست و دوم :

الف) هرانسانی حق دارد نظر خود را به هر شکلی که مغایر با اصول شرعی نباشد آزادانه بیان دارد.

ب) هرانسانی حق دارد برای خیر و نهی از منکر بر طبق ضوابط شریعت اسلامی دعوت کند.

ج) تبلیغات یک ضرورت حیاتی برای جامعه است و سوء استفاده و سوء استعمال آن و حمله به مقدسات و کرامت انبیاء یا بکارگیری هر چیزی که منجر به ایجاد اختلال در ارزشها یا متشتت شدن جامعه یا زیان یا متلاشی شدن اعتقاد شود، ممنوع است.

د) برانگیختن احساسات قومی یا مذهبی و یا هر چیزی که منجر به برانگیختن هر نوع حس تبعیض نژادی گردد، جایز نیست.

ماده بیست و سوم :

الف) ولایت امانتی است که استبداد یا سوء استفاده از آن شدیداً ممنوع می باشد، زیرا که حقوق اساسی از این راه تضمین می شود.

ب) هرانسانی حق دارد در اداره امور عمومی کشور خود بطور مستقیم یا غیر مستقیم شرکت نماید. همچنین او می تواند پستهای عمومی را بر طبق احکام شریعت متصدی شود.

ماده بیست و چهارم :

کلیه حقوق و آزادیهای مذکور در این سند، مشروط به مطابقت با احکام شریعت اسلامی می باشد.

ماده بیست و پنجم :

شریعت اسلامی تنها مرجع برای تفسیر یا توضیح هر ماده از مواد این اعلامیه می باشد.